

سحر گاه با شیطان

عبدالرضا فریدزاده

www.ketab.ir

کتاب نیستان

فریدزاده، عبدالرضا.
سحرگاه با شیطان / عبدالرضا فریدزاده.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-964-337-647-5

نمایندگه فارسی - قرن ۱۴.

۱۳۹۰ اس ۹۳۵ / PIR ۸۱۶۹

۸۵۲/۶۲

۲۲۵۹۶۳۴

سحرگاه با شیطان

عبدالرضا فریدزاده

طرح جلد از حمید عجمی

کتاب نیستان

چاپ اول: ۱۳۹۰ ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۶۴۷-۵

لیتوگرافی: گرافیک گستر

چاپ و صحافی: کانونچاپ

تلفن: ۰۲۲۶۱۲۴۴۳-۵

۹۰۰۰ تومان

ارتباط با شما: پیام کوتاه ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

فهرست

۱۳		سحرگاه با شیطان
۳۳		سیند غریب
۴۱		سفیدترین سیاه
۵۹		قصه سب
۸۱		پشت بر قبله
۸۹		عید بر مزار شهید
۱۰۳		مرثیه عشق
۱۲۵		طالب
۱۴۱		آخرین سنگ
۱۵۹		برای گونگادین بهشت... ۱۹
۱۷۱		حماسه آرش
۱۸۹		بذر عشق
۱۹۷		سوژه
۲۱۹		بازی دیگر
۲۴۳		تنهایی
۲۴۹		یه روزیه نفر...

۲۶۱	 سه پروانه در باران
۲۶۷	 یک سرود برای سارا
۲۷۷	 تصمیم
۲۸۹	 حسود
۳۰۹	 نخودی و حاکم شهر ستم
۳۴۹	 راز

www.ketab.ir

حرف نخست

زمان تحصیل ما، دبیرستان پس از شش سال تحصیلات ابتدایی آغاز می‌شد. به این ترتیب در ۱۲ سالگی وارد مقطع متوسطه شدم و بلافاصله بازیگری را با بازی در نقش یک پیرزن در نمایشی به کارگردانی نخستین استادم شادروان غلامرضا لحمی آغاز کردم و آن را تا زمان گرفتن دیپلم ادامه دادم. ضمن این که از سه سال پس از آغاز برای استاد دوم و دوست ارجمندم عباس لویبی هم که خدا سلامتش بدارد بازی می‌کردم. در این سال‌ها به خوبی اهمیت و ضرورت هنر نمایش برای دانش‌آموزان را - چه در گروه اجرا و چه در مخاطبان - لمس کردم و همین یکی از مهم‌ترین دلایل برای انتخاب شغل شریف و البته کم درآمد معلمی بود.

حتی وقتی از طرف آموزش و پرورش مأمور به تحصیل در دانشگاه و در رشته تئاتر شدم، تئاتر دانش‌آموزی را رها نکردم و در وقت آزاد همان دو روزی که موظف بودم تدریس کنم و اوقات دیگر با بچه‌ها تئاتر کار می‌کردم. دهه پنجاه بود و اوج مبارزات سیاسی؛ اما به هر ترتیب فشارهای شدید معاون دستگامی دبیرستان را تحمل می‌کردم.

هم دانشکده‌ای‌هایم سخت مشغول دست و پا کردن جایگاه حرفه‌ای و نان در آوردن از تئاتر بودند و من با گروه‌های دانش‌آموزی در مدرسه و جاهای دیگری مثل قهوه‌خانه‌ها و رخت‌شورخانه‌ها و کوچه پس‌کوچه‌های دروازه غار و گود عرب‌ها و قلعه مرغی نمایش اجرا می‌کردم و حتی به آن فکر نمی‌کردم که اگر چهل سال برای تئاتر دانش‌آموزی تلاش کنم، اعتبار حرفه‌ای‌اش به اندازه دستیار تدارکات نمایشی که در یکی از زیرزمین‌های تئاتر شهر اجرا شود نیست. این کار را مواری با فعالیت تئاتری حرفه‌ای‌ام ادامه دادم و هر جا که خودم کارگردان یا صاحب اختیار کاری حرفه‌ای بودم، از انرژی و خلاقیت دانش‌آموزان استفاده کردم. در همه این سال‌ها از سوی مدیران و متولیان فرهنگی متهم می‌شدم که زبان دانش‌آموزان را دراز کرده‌ام و رویشان را زیاد. دوستان هنرمند هم سرزنش و تحقیر می‌کردند که چرا قدر هنرم را نمی‌دانم و وقت و انرژی‌ام را با «بچه خرده‌ها» ضایع می‌کنم. اما گوش من هیچ وقت بدهکار نبود و نمی‌خواستم کوتاه بیایم و مدام با همان «بچه‌خرده‌های» بسیار عزیزم به صورت کارگاهی و تجربی مشغول جست‌وجو در ادبیات شفاهی و مکتوب ایران یا پژوهش‌های میدانی بودم تا موضوع نمایش جدیدمان را پیدا کنم.

در یک نگاه کلی به همه کسانی که در گروه‌های دانش‌آموزی‌ام با آن‌ها کار کرده‌ام، می‌توانم آن‌ها را به سه دسته تقسیم کنم:

دسته اول آن‌هایی که هم‌چنان تئاتر را دنبال کردند

دسته دوم آن‌هایی که تئاتر را رها کردند (چیزی حدود ۲۰ درصد).

دسته سوم هم بچه‌هایی هستند که به سراغ هنرهای دیگر رفتند. (چیزی حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد).

اما ویژگی مشترک همگی آن است که از نظر پندار ایمانی، اخلاقی و انسانی، شایسته و نمونه‌اند و با کسب موفقیت در زمینه کاری خودشان به جایگاه مناسب

و ممتازی رسیده‌اند. همین نکته است که باورم را نسبت به ضرورت، تأثیر و اهمیت تئاتر دانش‌آموزی قوی‌تر و محکم‌تر می‌کند.

در طول آن سال‌ها نمایش‌های زیادی را با گروه‌های مختلفی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و حتی دانشگاه روی صحنه بردم و در بسیاری از موارد هم زمینه اجرا را برای بچه‌هایی که استعداد بیش‌تری در نوشتن یا کارگردانی داشتند، فراهم کردم که بسیاری از آن‌ها در جشنواره‌ها و همایش‌های منطقه‌ای یا سراسری، دانش‌آموزی یا غیردانش‌آموزی مطرح می‌شدند و جوایز متعددی هم کسب کردند. در حال حاضر متن بعضی از این نمایش‌ها در دسترس نیست. اما از لیست حدوداً پنجاه تایی باقی مانده، فقط حدود ده متن را از دیگر نویسندگان ایرانی و خارجی کار کرده‌ام و نکاتی که در نوشتن نمایش‌نامه‌ها و همچنین اجرای آن‌ها در نظر داشته‌ام را این قرارند:

۱- استفاده از تکنیک‌های روز تئاتر در حد ظرفیت تئاتر دانش‌آموزی و با توجه به ضرورت به کارگیری آن‌ها.

۲- توجه اساسی به بداهه‌سازی و بهره‌گیری از خلاقیت گروه با ایجاد زمینه و فضای مساعد برای بروز و ظهور آن.

۳- رعایت رویکرد آموزشی نمایش‌ها در ابعاد اخلاقی و اجتماعی. ضمن آن که در عین تلاش از نظر فنی تأکید عملی داشتم که پروسه نگارش با اجرای هر متن، یک دوره جذاب و پرنشاط برای گروه باشد.

از سال ۱۳۸۶ یعنی پنج سال بعد از بازنشستگی کارگردآوری، تنظیم و بازنویسی این نمایش‌نامه‌ها را آغاز کردم تا تعدادی از آن‌ها را- برای استفاده دانش‌آموزان و معلمان ارجمندی که با وجود بی‌مهری‌های آموزش و پرورش برای روشن نگه داشتن چراغ این شاخه شریف تئاتر که دوران افولش را می‌گذراند، تلاش می‌کنند- برای چاپ آماده کنم. و حالا امیدوارم مجموعه‌ای که

پیش روی شماست، هر چند اندک، روشنی بخش این چراغ عزیز باشد. وظیفه خود می دانم به یکایک افراد همه گروه های دانش آموزی که اثر کوشش و خلافت شان به روشنی در این متون پیداست و همچنین دوستان هنرمندی که با نظراتشان من و بچه ها را هدایت کردند، تعظیم کنم.

در این میان، دو نفر شایسته تشکر بسیار ویژه اند: اول استاد دکتر حسین نصری قجری که چستی هنر و تئاتر را به من آموخت و دوم دوست و خویش ارجمند دکتر محمدرضا روزبهانی که او نیز معلم و از کوشندگان بی ادعا و توانای تئاتر دانش آموزی است و چندین سال خالصانه در اجراهای دانش آموزی و غیر آن هم پایا و هم دوشم بود و از نظرات دقیقش بهره ها بردم. سپاس قلبی من تقدیم آن ها که همیشه انگیزه ام را تازه و باطراوت نگه داشتند.

□ برخی سوابق اجرایی نمایشنامه های این مجموعه

اغلب نمایشنامه های مجموعه ی «سحرگاه با شیطان» در دهه های ۶۰ - ۷۰ و ۸۰ اجراهای متعدد در سطوح گونه گون (دبستان - راهنمایی - دبیرستان - دانشجویی - حرفه ای) داشته اند که از میان آن همه، تنها به برخی از مهمترین اجراهایشان در اینجا اشاره می شود:

مرثیه ی عشق حدود ۱۰۰ اجرا در سال های ۷۱ تا ۸۰ در صحنه ها، مساجد، تکایا، خیابان ها، در چند شهرستان، به علاوه ی ۴ اجرا در دو کنگره ی سراسری شعر عاشورا - شیراز - همگی به کارگردانی و با بازی نویسنده.

سفیدترین سیاه (یا سعد الاسود) به شکل نمایشنامه ی رادیویی پخش از رادیو جوان با بازی شادروان احمد آقالو در نقش سعد.

سید غریب اجرا در مدارس و صحنه برای مخاطبان دانش آموز در شهرستان ها.

سحرگاه با شیطان اجرای عمومی در شهرستان بروجرد به کارگردانی نویسنده. یک سرود برای سارا اجرا برای خانواده ها در فرهنگسرای کودک، به کارگردانی

- نویسنده، با بازی هنرجویانم.
- طالب اجرا به کارگردانی و با بازی نویسنده در جشنواره‌های فجر و دفاع مقدس (بخش خیابانی) و جشنواره‌ی سراسری دانشجویی مراکز آموزش کشاورزی کشور و اجرا در دو کنگره‌ی سراسری «پرشکستان عشق».
- پشت بر قبله به شکل تله تئاتر کوتاه با بازی و کارگردانی نویسنده در سیمای لرستان، و اجرای عمومی در واریته‌ها.
- حماسه‌ی آرش اجرا در کنگره‌ی بزرگداشت استاد مهرداد اوستا با بازی و کارگردانی نویسنده.
- حدود برگزیده‌ی جشنواره‌ی دانش‌آموزی لرستان به کارگردانی نویسنده. چندین اجرای عمومی.
- تصمیم اجرا برای مخاطبان دانش‌آموز، و اجرا در جشنواره‌ی نمایش یکفهره به کارگردانی نویسنده.
- راز اجرای عمومی و اجرا به شکل تله تئاتر در سیمای لرستان به کارگردانی نویسنده، و اجراهای متعدد در جشنواره‌های دانش‌آموزی در شهرهای مختلف.
- آخرین سنگ اجرا در همایش سراسری تئاتر انتفاضه به کارگردانی نویسنده.
- سوژه اجرا در جشنواره‌ی فجر (بخش خیابانی) و فستیوال سراسری تئاتر شبانه به کارگردانی نویسنده.
- بازی دیگر اجرای عمومی در شهرستان‌ها.
- تنهایی به شکل تله تئاتر کوتاه در سیمای لرستان با بازی و کارگردانی نویسنده.
- سه پروانه در باران به شکل تله تئاتر کوتاه در سیمای لرستان با کارگردانی و بازی نویسنده.